

کتاب

آلبر کامو خود را وابسته به هیچ مکتب فکری ای نمی دانست



آلبر کامو در مراسم اهدای جایزه نوبل

خداوکیلی کامو عشق فوتبال بود؟

بله چه جور هم! کامو در سال ۱۹۲۸ فوتبال را در باشگاه ورزشی مون پانسیه آغاز کرد. خود او می گوید: «خیلی زود یاد گرفتم که توپ هیچ گاه از طرفی که فکرمی کنید نمی آید و این درس، در زندگی ام - به خصوص در پاریس که هیچ کس با دیگری روراست نیست - خیلی به دردم خورد.» یک سال بعد کامو دروازه بان رده جوانان تیم راسینگ دانشگاه الجزیره شد. در گزارش هایی که از دوران فوتبال کامو به جای مانده او دروازه بانی توصیف شده که با فریادهای خود شور و اشتیاقی را به سایر بازیکنان تیم تزریق می کرد. اما بیماری سل تمام آینده حرفه ای آلبر کامو فوتبالیست را نابود کرد. او معالجه شد، اما نه به اندازه ای که بتواند رؤیای برابری با ستارگان بزرگ و استثنايي دروازه های فوتبال را که در سمری پروراند محقق کند. هر چند که کامو دیگر بعد از سن ۱۷ سالگی نتوانست فوتبال بازی کند اما همیشه تا پایان عمر کوتاهش یک تماشاگر پرو پا قرص فوتبال باقی ماند. علاقه او به فوتبال به حدی بود که وقتی چارلز پونسه، یکی از دوستانش، از او پرسید فوتبال را ترجیح می دهد یا تئاتر؟ پاسخ داد: «بدون تردید، فوتبال.»

میراث او چیست؟

یک دو جین اثر فلسفی و ادبی درجه یک (که در همین شماره به معرفی برخی از آنها پرداخته ایم). مقادیر دلچسبی تفکرات و اندیشه های ناب. عنوان دومین برنده جایزه نوبل ادبیات در طول تاریخ و بسیار بسیار نامایشناها، مقالات و جستارهای جذاب در کنار تأثیرگذاری براندیشه ادبی و فلسفی بر تمام نسل های پس از خودش - که تا همین الان هم ادامه دارد - از مهمترین میراثی هستند که او برای بشریت به جای گذاشت.



او هرگز خودش را نه تنها و وجودگر بلکه وابسته فکری به هیچ مکتب و نحله فکری دیگری نمی دانست. او یک بار گفته بود «هم من و هم سارتر بسیار تعجب می کنیم وقتی نام ما را کنار یکدیگر می آورند». او به قدری از قرار گرفتن در چهارچوب های مشخص و قطعی گریزان بود که حتی انجمنی تأسیس کرد که در آن هر دو شیوه امریکایی و شوروی در حکمرانی زیر سؤال برده می شدند.

تولدت مبارک آقای «کامو»!

از دومین برنده جوان نوبل ادبیات چه می دانید؟

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب



نوشتن از «آلبر کامو» نباید کار سختی باشد، شاید الان فکر کنید که قرار است در ادامه بنویسیم «اما صحبت کردن از او واقعاً کاری دشوار است». خیر! واقعاً نوشتن در مورد کامو اصلاً سخت نیست و جنابشان چنان تأثیر عمیق و بزرگی بر دو جهان فلسفه و ادبیات گذاشته و تقدیری زندگی و مرگ جذاب و عجیبی داشته اند که می شود ساعت ها در مورد او حرف زد و نوشت و نوشت بدون اینکه ماجرا تکراری شود. در این شماره به مناسبت تولد کامو در هفتم نوامبر نگاهی به زندگی و آثار او انداخته ایم.

Albert Camus

کامو هیچ گاه پاسخ روشنی به این سؤال نداد و در موردش صحبت نکرد اما متنی در میان یادداشت هایش پیدا شد که طی آن او خودش را بیشتر «هنرمند» محسوب می کرد. بنابراین یک هیچ به نفع اهالی ادبیات! اما محصور کردن کامو در یک تعریف تک بُعدی ظلم بزرگی به میراث اوست، برای همه بزرگان علم و هنر، کامو فیلسوف و نویسنده ای بزرگ بود، همزمان و بدون تردید!



تصویری از آلبر کامو در زمین فوتبال

مثل همیشه اول اطلاعات و یکی پدایی

آلبر کامو در ۷ نوامبر ۱۹۱۳ در دهکده ای کوچک در الجزایر به دنیا آمد. پدرش «لوسین کامو» فرانسوی فقیری بود که در الجزیره برزگری می کرد و در آنجا با زن خدمتکاری که اهل اسپانیا بود ازدواج کرد و صاحب دو فرزند به نام های لوسین (هم نام پدر) و آلبر شد. پدر در ادامه و طی جنگ جهانی اول کشته شد. کامو در دوران جوانی و تا قبل از ابتلا به بیماری سل به فوتبال می پرداخت و دروازه بان تیم دانشگاه بود.

کامو چه بود؟ فیلسوف یا نویسنده ادبیات؟

این درگیری بین علاقه مندان فلسفه و ادبیات سال هاست که وجود دارد. کامو نویسنده ای بود که فلسفه هم می دانست یا - مانند سارتر - فیلسوفی بود که دستی هم به قلم و داستان می برد؟ خود



در ستایش ادبیات مقاومت

دست های خالی علیه اشغال!

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadalyazdanyar@gmail.com



توصیه می کنم این روزها حتماً نگاهی به آثار بزرگ ادبیات مقاومت بیندازید. این کتاب ها، برخلاف حال و هوای سیاسی دهه سوم قرن بیست و یک، براساس حفظ نظم موجود و ملامت مظلوم نوشته نشده اند. در آثار ادبیات مقاومت خط کشی ها نهایتاً مشخص هستند. اشتباه نکنید، این رمان ها و داستان ها سیاه و سفید نوشته نشده اند و اتفاقاً تعدادی از شگفت انگیزترین شخصیت های خاکستری تاریخ ادبیات داستانی در همین آثار خلق شده اند. با این حال و در انتها، تکلیف همه روشن است، حتی اگر نویسنده چیز زیادی در این مورد نگوید - که در بهترین آثار ادبیات مقاومت هم همینگونه است - خواننده پس از خواندن اثر فرق اشغال و اشغال شده را متوجه می شود. می فهمد که در چنین شرایطی انسان شریف چه می کند. خواننده در یکایک این داستان ها با خودش روبه رو شده و آزمونی سخت در تشخیص ظالم و مظلوم را از سر می گذراند. رمان های ادبیات مقاومت پر هستند از آدم های اهل مذاکره، عاقبت طلب ها، سیاسیون و مردم کوچ و بازار که از مبارزه خسته اند و باور دارند که باید بالاخره برای آسایش خودشان هم که شده سر خم کنند. اینکه چرا سری خم نمی شود و چرا نباید خم نشود را البته فقط در داستان های این گونه ادبی می توانید پیدا کنید.

بله، این چیزی است که دنیای امروز ما نیاز دارد، یا حداقل اگر نخواهم گزاره گویی کنم این یکی از بسیار چیزهایی است که دنیای امروز ما به آن نیاز دارد. در دنیایی که به اشغالگر «حق دفاع از خود» بدون قید و شرط می دهند و به محکوم کردن اشغال شده می پردازند، در دنیایی که گویا «مقاومت» کاری است بسیار زشت و خلاف مصالح بشری و در دنیایی که حتی نخبگانش تفاوت «جنبش اجتماعی خشونت پرهیز» را با «حق مبارزه با اشغالگر» نمی فهمند و اولی را جای دومی می گذارند و دفاع از خاک را نهی می کنند این تنها و تنها ادبیات مقاومت است که به شما نشان می دهد باید کجای ماجرا ایستاد و باید به کدام سمت حرکت کرد



در دنیایی که حتی نخبگانش تفاوت «جنبش اجتماعی خشونت پرهیز» را با «حق مبارزه با اشغالگر» نمی فهمند و اولی را جای دومی می گذارند و دفاع از خاک را نهی می کنند این تنها و تنها ادبیات مقاومت است که به شما نشان می دهد باید کجای ماجرا ایستاد و باید به کدام سمت حرکت کرد